

## بحث تفسیری

## سوره مبارکه

یس (۱۵)

اقتباس از درس تفسیر مجرم حجج الاسلام آیت‌الله

و اذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين آمنوا انطعموا من لويشاء الله اطعمه ان انتم الا في ضلال مبين. ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين

هنگامیکه بآنان گفته شد انفاق کنید از آنچه که خدا بشما روزی کرده گفتند کافران مرمومنان را آیا اطعام کنیم کسی را که خدا اگر میخواست او را اطعام میکرد شما جز در گمراهی آشکار نیستید. و میگویند کی خواهد بود این وعده عذاب اگر شما راستگوهستید؟ (ترجمه)

اگر بدقت آیات شریفه قرآن مطالعه شود باین نتیجه میرسیم که دو صفت ناپسند بیشتر موجب غضب خداوند بوده و اکثر امم سالفه که مستوجب عذاب و نقمت خداوند شدند بر اثر داشتن همین دو صفت شده اند این دو صفت ناپسند و مذموم یکی انکار مبدء و معاد و دیگری بی اعتنائی ثروتمندان و صاحبان قدرت بطبقه ضعیف و مستمند است. انکار خدا و روز جزاء و افراط خداوندان زورورز، در بای غضب پروردگار را آنچنان متلاطم می کند که نجات از آن اقیانوس خروشان مجال و ممتنع است.

در آیه فوق یکی از موارد استحقاق عذاب که همان بی اعتنائی و استهزاء طبقه ثروتمند به بیچارگان و فقرا است بیان شده، این ثروتمندان بی رحم گمان می کنند که لطف خدا شامل حال آنها است که بآنان ثروت بخشیده و فقرا مغضوب پروردگارند که اینچنین محتاج و مستمندند.

پناه بر خدا از وقتی که غرور ثروت کار را بانکار خدا و مبدء بکشاند و ثروتفندی مغرور بجای دستگیری از مستمندان بگوید: من چرا باین فقیر یا بآن بیچاره کمک کنم

برود از خدای خویش بگیرد ، اگر خدا میخواست او را هم ثروتمند میکرد این کلمات استهزا آمیز که حاکی از خبیث طینت و سر برت است موجبات عذاب خدا را فراهم میکنند ثروتمندان با جمله (لَوْ شَاءَ اللَّهُ اطعمه) هم میخواستند بار از دوش خویش بردارند و شانه از بار اطعام فقرا خالی کنند و هم ضمناً انکار خدا کنند .

میخواهند بگویند اگر خدائی بود باین فقرا اطعام می نمود چه مردم گمراهی هستید شما که بخدا معتقدید و گمان می کنید خدائی هست هیچ فکر نمی کنید که اگر خدائی وجود داشت بداد فقرا میرسید و آنان را اطعام می کرد واقعا که در گمراهی آشکاری هستید چه خدائی چه حسابی و چه کتابی ؟

اگر خدائی هست و باید ما را بسبب اطعام نکردن فقرا عذاب کند پس چرا معطل است چرا عذاب نمی کند ؟

چرا بوعده خود عمل نمی کند؟ چرا بر ما بلا نازل نمی کند ای متدینین و ای معتقدین بخدا چه شد نوید عذاب و چسان شده که ما معذب نیستیم ؟ چه وقت معذب خواهیم شد و انتقام فقرا را چه کسی و کی از ما خواهد گرفت؟ بروید بخدای خویش بگوئید که ما اغنیاء و ثروتمندان توجهی به فقرا و مساکین نخواهیم داشت تو هر چه میخواهی بکنی بکن

ماینظرون الا صیحة واحدة تاخذهم وهم یخصمون فلا یستطیعون توصیة ولا الی اهلهم یرجعون

انتظار نمیبرند مگر يك فریاد را که در حال مجادله و دشمنی شدید آنان را بگیرد پس نه قدرت دارند وصیتی کنند و نه میتوانند بطوری کلان خود برگردند. (ترجمه)

در عین حال که ثروتمندان بی انصاف در طرد فقرا و راندن بیچارگان و بی اعتنائی و مسخره بمساکین باهم متفق و هم آهنگند لیکن در جلب منافع مادی و تقسیم مال و منال دنیا بایکدیگر اختلاف عجیبی دارند .

کشمکشها ، نزاعها ؛ و مبارزات حاد و شدید برای ربودن سودها و منافع آنچنان سود پرستان بی رحم و خودخواهان بی مروت را مشغول داشته که ابدا توجهی بخدا و حقیقت و معادند دارند.

تو گوئی سگانی بر سر مرداری بهم ریخته و بنای غرولند و منخاصمه نهاده اند یکی میگوید مالم دیگری فریاد میزند منالم یکی میگوید عقارم و دیگری داد میکشد درهم و دینارم .

خلاصه آنچه آنچنان معر که پر مقال و میدان پرداد و قالی بوجود آورده اند که بالمره از همه معنویات و حقایق بی خبر مانده اند .

مردمی که در حجاب غفلت خزیده اند نه از توحید حظی و نه از شربت مبدء و معاد جرعه ای نوشیده اند مردمی که برای ازدیاد زر و افزودن قدرت خویش بصورت هم بنجه میزنند و جنگ و جدال تفاخرات را بنهایت درجه رسانده اند ( کلمه بخصمون و ادغام (ص) دلالت بر شدت خصومت دارد ) در عین حال که برابر فقرا و مستمندان چون پلنگی غران و شیر ی ژبان میمانند .

لکن در برابر يك فریاد و صیحه آسمانی آنچنان خاموش و بی صدا خواهند شد که تو گوئی اصلا زنده نبوده اند .

همین ها ، همین مغروران پر خروش و جباران پرهیبت در برابر فریاد خفه شوید و آرام باشید یکدفعه آنچنان بی جوش و بی حرکت بگوشه ای خواهند افتاد که تمام هویتها از آنان سلب شود نه مالی برایشان ماند و نه منالی نه خصوصتی می توانند نمود و نه جنگی زیر این کباره فریاد خدا آنانرا گرفته ( تا خدم ) و از حس و حرکت بازشان داشته است

آری این توانگران بی وجدان که ابتدا در برابر رنگ پریده ؛ بدن لغت ، شکم گرسنه و پای برهنه ناهوانان مسئولیتی حس نمی کنند و عاطفه ای نشان نمی دهند بلکه مسخره هم می کنند و فقط مشغول جنگ و نزاع و ایجاد غوغا برای جمع آوری مال و ثروتند هیچ انتظاری ندارند جز فریاد و صیحه آسمانی را ، فریادی بلند شود و آنانرا به بستر مرك بکشاند همه قدرتها را از آنان بگیرد که نتوانند وصیتی کنند و نه بسوی خویشان و دلبستگان خود برگردند .

آن شنیدستم که در صحرائی غوز مع علوم انسانی را سالاری در افتاد از ستور  
گفت چشم تنک دنیا دوست را باقناعت پر کند یا خاک گور

( بحث معاد در شماره آینده )

راه حق : نشریه ایست دینی و محبوب دینداران